

## رساله سوم

### ترجمه وصایای ذهبیه فیثاغورث حکیم

و این وصایارا از آن ذهبیه گفته اند که قدما آن را باب زرنوشتندی و بامداد و شبانگاه قرائت آن راست کرده بودند. اما بامداد از جهت آنکه تا در آن روز آن را در عمل آرند و شبانگاه از جهت آنکه تا آنچه در آن روز فوت کرده باشند تدارک کنند آن را. و اینرا از اغیار نگه داری نموده اند و الله ولی التوفیق، اول میگوید تعظیم باید کرد موجودی را که مَرَك و فنا بروی ممکن نباشد و آن واجب الوجود است تعالی و تقدس و تنجیل باید نمود انبیا و اولیاء و مقربان او را بر قانونی و وجهی که ناموس شریعت در در آن وقت اقتضا نموده باشد و بعد از آن تنجیل و اعزاز مدیران معموره زمین از ملوک اکابر و گرامی داشتن سلف و اقربا از لوازم باید شمر و از اهل عالم فاضلترین مردم را بدوستی باید گرفت و در همه احوال جانب او را رعایت باید کرد. و بهفوتی که از او صادر گردد اعتقاد درو و معیشت با او فاسد نباید گردانید. و ذکر معبود خود در معرض حطام دنیا و زخارف حسی که آن را در حقیقت هیچ وزنی نیست سو گند بر زبان نباید راند. و قوت های شهوانی و غضبی را مغلوب و مضبوط نفس ناطقه باید داشت تا او بمقدار واجب هر یک را در محل خود استعمال میفرماید و از فضولی شهوات باز میدارد. و نیز میفرماید که ارتکاب هیچ قبیح و ناشایست نباید کرد نه در خلوت و نه با غیری و باید که حیاء مردم را از نفس خود زیادت حیای او باشد از

غیری وانصاف در اقوال و افعال در همه احوال رعایت باید کرد بیاید دانست که جدا شدن تعلق جان از تن که عبارت از آن بمرک می‌کنند ناچار و ضروری است پس جهد نماید که از عمر خود هیچ روزی فوت نکرده باشد مگر بحاصل کردن بدلی آن روز را در آخرت یا باستفادت دانشی شریف یا با کتساب خلقتی جمیل و عادت‌ی پسندیده و مساعی خود بر آن مقصور باید داشت که سعادت‌ی حاصل کرده اند که او را در نعیم ابد دایم و منخلد دارد و از طباع بهیمی اجتناب باید نمود و افعال ملکی را عادت باید کرد و از مصائب و حوادث سماوی که بدو رسد جزع ننماید و بر آن مصابرت و ثبات مینماید و در دفع و رفع آنچه ممکن بیند از اسباب بوجه اکمل میکوشد و باید که نفس را این ملکه حاصل کند که قول و فعل هیچ کس او را بر ارتکاب کاری ناپسندیده باعث نتواند شد و در هر کار که شروع خواهد نمود فکر و رویت را بر آن کار مقدم دارد و باید در اکتساب مال شریفترین مدخلی طلبد حاصل کردن را و شریفترین و محمودترین مخرجی خرج کردن را. و در آن باب از دو طرف پرهیزد از اتلاف و اهراف خود را بمردگان مانند نکند که در دست او هیچ نماند و از بخل و ضنت پرهیزد تا از حریت و مروت بیرون نرود. و در هر کار که شروع خواهد نمود بتفرع و مسکنت از حضرت مبدع کل نهج آن کار و خیر عاقبت آن خواهد و خیال سازد که در مدت حیات با صفات و زخارف انتفاع کرد بروجهی که سالم از آن نجات تواند یافت. و بکمال خود تواند رسید. و آن انتفاع را آلت حصول کمال خود تواند گردانید. همگان را توفیق این سعادت رفیق احوال باد